

رسانه‌ها ابزاری برای ترویج شفافیت و مقابله با فساد سیاسی و مالی

نوشته

غلامحسین بیابانی *

بهنام ذوقی **

چکیده

فساد، یک پدیده پیچیده است که بر مشکلات جدی نهادها دلالت دارد و اقدامات قانونی، به تنهایی نمی‌توانند در رسیدگی به مشکلات مربوط به فساد موثر باشند؛ زیرا در طول سالیان، جرائم مربوط به فساد از سطح ادارات دولتی تا شرکت‌های خصوصی افزایش نشان می‌دهد. اما رسانه‌ها می‌توانند آگاهی را در مورد مشکلات مربوط به فساد افزایش و به هنجارهای اجتماعی و ارزیابی اخلاقی از رفتار فاسد درون جامعه شکل دهند. زیرا شواهد تجربی اهمیت فرهنگ عمومی ضد فساد، آگاهی در مورد فساد و هنجارهای اجتماعی را برای مبارزه با فساد برجسته می‌سازند. اما با وجود ظرفیت رسانه‌ها در کنترل فساد، آنها اغلب در امر تقویت مسئولیت‌پذیری حکومت در قبال شهروندان محدودند. رسانه‌ها اغلب "در خدمت تقویت کنترل منافع قدرتمندان" هستند. اما شفافیت به تنهایی در کاهش فساد کافی نیست. دسترسی گسترده به اصلاحات، باید با "توانایی پردازش اطلاعات و انگیزه‌هایی برای عمل بر اساس اطلاعات پردازش شده" همراه شود؛ چراکه اگر رسانه‌ها نقش نظارتی خود را ایفا کنند، احتمال اینکه خطاهای مسئولان افشا و دچار پیگیری قضایی شوند و یا قدرت یا شهرت خود را از دست دهند، افزایش می‌یابد. به همین دلیل اینکه رسانه‌ها چقدر در ترویج شفافیت نقش دارند و چگونه با فساد می‌توانند مقابله کنند، هدف این مقاله است.

کلیدواژه: فساد، رسانه، شفافیت، قانون.

* استادیار دانشگاه علوم انتظامی (نویسنده مسئول) biabani@yahoo.com

** کارشناس مکانیک و پژوهشگر اجتماعی behnamzoghroudsari@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

وجود رسانه‌ها در هر جامعه‌ای به مثابه چشم و گوش جامعه است که رفتار دستگاه‌های مختلف دولتی را رصد می‌کنند. رسانه‌ها می‌توانند از طریق تهیه اخبار و گزارش‌های مربوط به فساد مالی، پیگیری و پخش آن، در ترویج فرهنگ فسادستیزی نقش موثری داشته باشند و قبح فساد را به گونه‌ای افزایش دهند که تحمل ارتکاب به آن، برای جامعه دشوار شود. زیرا بدون شک رسانه‌ها منابع قدرتمندی هستند که اهداف متنوعی را تعقیب می‌کنند (پالتر، ۱۳۹۲: ۲۵۲). آنها هر روز با انعکاس فساد، بخش عظیمی از داستان‌ها را، در هر یک از دو بخش انتشار و پخش، در رسانه‌ها نشان می‌دهند. رسانه‌ها در میان منابعی از اطلاعات قرار دارند، که مردم می‌توانند به آن اعتماد کنند و عقاید مردم جهان را حول موضوع‌های آن بدانند. با توجه به وقوع جرم و جنایت در جهان ما معتقدیم که رسانه اولین منبع اطلاعات است (دوبوا، ۲۰۰۲). وجود رسانه‌های تخصصی، که به طور آزاد در زمینه جمع‌آوری اخبار و اطلاعات و نقش آن فعالیت می‌کنند، عاملی اساسی در جهت بازدارندگی محسوب می‌شوند.

در نظریه پنجره‌های شکسته آمده است که عامل شکسته شدن پنجره‌های بعدی این است که کسی مراقب خانه و پنجره‌های آن نیست؛ همین‌طور در سلسله نهادها و فعالیت‌های اداری نیز، تلقی نبودن نظارت و مراقبت می‌تواند باعث تسهیل بروز و تکرار فساد شود. برای آنکه رسانه‌ها بتوانند در جلوگیری از فساد موفق باشند باید نخست، به اطلاعات دسترسی داشته باشند و دوم تحت نفوذ گروه‌های فشار قرار نگیرند. از این رو رسانه‌ها، به عنوان ابزار اصلی نظارت، نقش مهمی در ترویج شفافیت دارند.

بر این اساس بسیاری از حکومت‌ها، سطح فساد خود را در بخش دولتی، با بهبود کارآمدی امور داخلی و رابطه با شهروندان کاهش داده‌اند. بهبود این روابط می‌تواند از طریق استفاده از ICT، در افزایش اقدامات اصلاحی برای کاهش رفتار و فعالیت‌های فسادآمیز بدست آید. حکومت‌ها با انجام این کار، خود را، به پیگیری و نظارت بر پیشرفت کارکردها و رفتار مقامات و مسئولان متعهد می‌کنند؛ زیرا افزایش مشارکت شهروندان می‌تواند به صورت چشمگیری باعث کاهش بروکراسی و افزایش کارآمدی و شفافیت شود. علاوه بر این، مشارکت و بسیج شهروندان، عناصری کلیدی برای ایجاد فشار بر حکومت‌ها و نهادهای ملی، جهت بهبود مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی آنها به مردم است. ICT ابزار مؤثری برای اجرای قوانین، بهبود شفافیت و مبارزه با فساد، در کشورهای در حال توسعه است. مطالعات بسیاری از این یافته‌ها حمایت می‌کند و رابطه منفی روشنی را بین انتشار ICT و فساد نشان می‌دهند. (سامی و ساسی، ۲۰۱۷: ۵۲).

رسانه‌ها، به عنوان یک نهاد نظارت و توازن، نقش حیاتی در کاهش فساد دارند. علاوه بر این، رشد جهانی دسترسی به اینترنت و دولت الکترونیک، احتمال افشای فساد مقامات دولتی را افزایش می‌دهد. این مقاله به نوعی تأثیر آزادی رسانه، دسترسی به اینترنت و ارائه خدمات آنلاین حکومتی را بر فساد می‌آزماید؛ زیرا فساد یک مشکل جهانی است که با تأثیر مخربی بر عملکرد اقتصادی، ثبات سیاسی و انسجام اجتماعی دارد. رسانه‌ها به عنوان چهارمین رکن حکومت (علاوه بر قوه مجریه، مقننه و اجرایی) بر

هم‌نوایی با قوانین، ارزش‌ها و هنجارهای دموکراتیک نظارت می‌کنند؛ ولی در مقایسه با سه قدرت نهادی حکومت، هیچ ابزار رسمی برای مجازات مقام‌های دولتی متخلف ندارند. بنابراین، رسانه‌ها کنترل عمومی خود را به صورت غیرمستقیم و از طریق شش شیوه اعمال می‌کنند. نخست، رسانه‌ها نگرهبانانی هستند که تصمیم‌گیران سیاسی را در قبال اعمالشان مسئول نگه می‌دارند. رسانه‌ها "می‌توانند با بررسی و گزارش‌دهی موارد فساد به نهادهای قضایی" کمک کنند. این کار به بررسی تخلف نهادهای رسمی و محکومیت فعالان سیاسی فاسد منجر می‌شود. زمانی که قدرت‌های نظارتی به دنبال فساد می‌گردند و نمی‌توانند مجازات را به طور مؤثری اعمال کنند، رسانه‌های مستقل و منتقد اغلب نقش خود را به عنوان نهادی تنظیمی کارآمدتر از نهادهای قضایی، مقننه و اجرایی ایفا می‌کنند. با قرار دادن مقامات دولتی فاسد در معرض نظارت، رسانه‌های جمعی در مسئولیت‌پذیری عمودی سهیم می‌شوند. شیدلر (۱۹۹۹) این امر را یک مکانیسم کنترلی بین نقش آفرینان قدرتمند فرادست و نقش آفرینان فرودست با قدرت کمتر توصیف می‌کند. (schedler, 1999)

دوم، رسانه‌های جمعی توازن و نظارت را بین فعالان قدرتمند تقویت می‌کنند. با افشای نواقص در نهادهای ضد فساد، روزنامه‌نگاران می‌توانند آنها را به اصلاح این نهادها دعوت کنند و بدین وسیله تأثیر رسانه‌ها را در مبارزه با فساد افزایش دهند (استارک و همکاران، ۲۰۱۶: ۲). علاوه بر این، افزایش آگاهی عمومی از طریق پوشش رسانه‌ای باعث تقویت کار و مشروعیت نهادهای ضد فساد دولتی می‌شود که طرح نهادی سیستم سیاسی را تقویت می‌کند که این را می‌توان "مشخصه نهایی فساد" دانست.

سوم، رسانه‌های جمعی یک فضای مدنی برای بیان شکایات و مشارکت در افکار عمومی فراهم می‌سازند. آنها می‌توانند با "برجسته کردن قصور در سیاست‌ها، سوء مدیریت توسط مقام‌های دولتی، فساد در نظام قضایی و رسوایی در شرکت‌های بزرگ"، فشار عمومی ایجاد کنند، تا سیاستمداران فاسد را مجبور به استعفا و ترک قدرت سیاسی کنند. این کمپین‌ها با نام بردن و شرمگین ساختن افراد فاسد، بر شهرت نقش آفرینان فاسد تأثیر می‌گذارند و می‌توانند سازگاری با قانون را افزایش دهند. این اقدام‌ها به خصوص در مبارزه علیه فساد مجرمانه مؤثر هستند. فساد مجرمانه مربوط به زمانی است که "مقام دولتی قدرت به تعویق انداختن یا امتناع از انجام یک خدمت را دارد... تا از عامل خصوصی به شکل رشوه، رانت استخراج کند". در این مورد، قربانی علاقه دارد تا مقام فاسد را رسوا کند. اما زمانی که هم عوامل رشوه دهنده و هم رشوه گیرنده از معامله فاسد نفع ببرند، هیچ‌کدام از آنها شکایتی نخواهند کرد. این امر نشان‌دهنده نیاز به رسانه‌های تحقیقی برای مشارکت فعال در تلاش‌های ضد فساد است.

چهارم، رسانه‌های جمعی با فراهم ساختن اطلاعات در مورد فساد، در ایجاد فضای شفافیت در جامعه مشارکت می‌کنند و فساد را، هم در سطح فردی و هم در سطح سیستماتیک، کاهش می‌دهند. اما شفافیت به تنهایی برای کاهش فساد کافی نیست. دسترسی گسترده به اطلاعات باید با "توانایی پردازش اطلاعات و انگیزه‌هایی برای عمل بر اساس اطلاعات پردازش شده" همراه شود. بنابراین برخی از محققان رویکردی انتقادی تر نسبت به رابطه بین رسانه‌های خبری و فساد دارند. ویدیا شواهدی تجربی ارائه می‌کند که نشان

می‌دهند "توانایی حکومت در دور زدن دعوای‌های رسانه‌ها می‌تواند قدرت بازدارندگی فساد را تضعیف کند". (Vaidya, 2005)

پنجم، رسانه‌های ناظر، دارای تأثیرات بازدارنده هستند. نظریه بازدارندگی، سه نیروی را که دفعات و دامنه فساد را افزایش می‌دهند شناسایی می‌کند: ۱. دامنه وسیع پاداش‌های خارجی؛ ۲. احتمال اندک کشف فساد؛ ۳. کم بودن شدت مجازات.

اگر رسانه‌ها نقش نظارتی خود را ایفا کنند، احتمال اینکه خطاهای مسئولان افشا و دچار پیگیری قضایی شوند، یا قدرت و شهرت خود را از دست دهند، افزایش می‌یابد. بنابراین منافع شخصی فساد کاهش می‌یابد و مجرم‌ان بالقوه قبل از مشارکت در فساد، از این کار بازداشته می‌شوند. اما برای اینکه مقامات دولتی، با موفقیت از فساد بازداشته شوند، قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها، قوانین سخت ضدفساد و پیگیری کارآمد قضایی باید مکمل یکدیگر باشند. اگر نهادهای قانونی ضعیف یا فاسد باشند، مجرم‌ان بالقوه نباید از مجازات بترسند.

ششم، استاپ‌نهارست نیز شیوه‌های ناملموسی را که به رسانه‌ها در مبارزه با فساد کمک می‌کنند به شرح زیر برمی‌شمارد: (استارک و همکاران، ۲۰۱۶: ۴). نظارت بر فساد از فضای اجتماعی وسیع‌تر، پلورالیسم سیاسی بهتر، گفت‌وگوی عمومی سرزننده و احساس مسئولیت بیشتر در بین مسئولان و نهادهای دولتی برمی‌خیزد که نتیجه فرعی رسانه‌های خبری مستقل قدرتمند هستند. (Stapenhurst, 2000)

مفاهیم نظری تحقیق فساد چیست؟

فساد عموماً به عنوان یک جرم علیه نظام عمومی طبقه‌بندی می‌شود و هیچ تعریف پذیرفته شده‌ای در سطح جهانی برای فساد وجود ندارد (بیابانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۶). فساد می‌تواند سؤاستفاده یک مقام دولتی از قدرت، برای به دست آوردن منافع شخصی تعریف شود. ریشه‌های فساد در فرایند مذاکره بر سر رانت‌های اقتصادی است که تقریباً در هر معامله اقتصادی وجود دارد. زیرمجموعه‌ای از این معاملات، شامل مذاکرات بین یک مقام دولتی و یک نهاد خصوصی است. فساد زمانی اتفاق می‌افتد که یک مقام دولتی، به عنوان کارگزار دولت، در یکی از این معاملات، رانت‌ها را، در قبال بخشی از رانت‌های بازتوزیعی، به نفع یک نهاد خصوصی بازتوزیع می‌کند.

توانایی یک مقام دولتی برای به دست آوردن نفع شخصی یا با بهره‌برداری یا از انحصار قدرت در اختیار حکومت، برای تنظیم تمام فعالیت‌ها در یک جامعه برمی‌خیزد، یا از کنترل مقامات دولتی بر ساز و کارهایی که مقررات را اجرا می‌کنند. برای درک بهتر فرم‌های مختلف فساد، باید بین دو نوع وظیفه کارگزاران دولتی تمایز قائل شویم. وظایف قدرتمندترین این کارگزاران دولتی (رهبران سیاسی یا قانونگذاران) شامل ایجاد قوانین، به کار گماردن بوروکرات‌ها و تصمیم‌گیری‌های دیگری می‌شود، که بر نوع تخصیص منابع یک جامعه تأثیر می‌گذارند. وظیفه گروه دوم، یعنی بوروکرات‌ها شامل اجرای تصمیم‌هایی است که گروه نخست گرفته‌اند. تشخیص و توصیف فساد گروه دوم آسان‌تر است. در چیزی که به عنوان فساد

بوروکراتیک شناخته می‌شود، یک مقام دولتی ممکن است برای انجام یک وظیفه روتین خود مبلغی را درخواست کند (گروه بانک جهانی، ۲۰۱۶). مطالبه رشوه برای عقد یک قرارداد، متکی بر این فرض است، مقام‌ها دارای این قدرت اختیاری هستند که به برخی معیارها که برای تخصیص قراردادها به کار می‌روند، وزنی بدهند یا اطلاعات مربوط به قراردادها را کنترل کنند. (جین، ۲۰۱۷: ۲)

فساد در گروه اول از کارگزاران دولتی، که با عنوان فساد سیاسی شناخته می‌شود، بسیار مهم تر و متأسفانه تشخیص و توصیف آن نیز دشوارتر است. فساد سیاسی در سیستم‌های مختلف، تفاوت‌های زیادی دارد و به میزانی بستگی دارد که "نخبگان حاکم به دنبال استفاده از قدرت خود هستند تا در خدمت منافع عمومی باشند یا صرفاً به دنبال ثروتمند ساختن خود، دوستان یا خانواده‌شان باشند". ماهیت فساد سیاسی، تمایل کارگزاران دولتی به شکل دادن به قوانین و بودجه‌ها به شکلی است که به نهادهای خصوصی خاص اجازه می‌دهد تا رانت‌های بیشتری به دست آورند.

در یک سیستم سیاسی کارا، تصمیم‌گیران باید تمام نظرها و منافع همه را در نظر بگیرند. آنچه مهم است، نقش منافع خصوصی در فرمولاسیون سیاست‌ها و قوانین است. اگر شرایط زیر برقرار باشد، نهادهای خصوصی می‌توانند بدون فساد نفوذ داشته باشند.

۱. فرآیند تأثیرگذاری بر تصمیم‌سازان برای تمام نقش‌آفرینان روشن است و معیاری که آنها مورد استفاده قرار می‌دهند در اختیار عموم مردم قرار می‌گیرد.

۲. هیچ پرداخت اضافی یا مخفیانه‌ای وجود ندارد.

۳. موکلان و کارگزاران از یکدیگر مستقل هستند، به این معنی که هیچ کدام از سود دیگری بهره‌ای نمی‌برند.

نقش روزنامه‌نگاران در افشاگری فساد

کلمه افشاگری، در طول تاریخ، دارای معانی متضادی بوده است. داسگوپتا (Dasgupta) و کشاروانی (Kesharwani) این کلمه را به این صورت تعریف کردند: «افشای فعالیت‌های غیرقانونی، غیراخلاقی و نامشروع توسط اعضای سازمان تحت کنترل کارفرمایان به افراد و سازمان‌هایی که ممکن است بتوانند رسیدگی کنند». منتقد سازمانی زمانی به افشاگر بدل می‌شود، که شخص به دنبال اطلاع‌رسانی یک قصور یا یک عمل تعمدی نادرست به بیرون است. بدنه در حال رشد در این مورد، افشاگران را به عنوان قهرمانانی اخلاقی یا "محافظان مسئولیت‌پذیری عمومی" تصویر کرده‌اند. از این نقطه نظر، افشاگران مکانیسم ارزشمندی را شکل می‌دهند، تا شفافیت حکومتی را بهبود بخشند. (مور و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۲۹)

الیسون (Ellison)، کینان (Keenan)، لاکهارت (Lockhart) و شایک (Chaick) چرا افشاگران برای عمل افشای خود رسانه‌ها را ترجیح می‌دهند دلایل متعددی را مطرح می‌کنند: رسانه، شواهد را برای عموم منتشر می‌کند؛ اطلاعات را در زمانی مقتضی منتشر می‌کند و لزوماً هویت افشاگر را برملا نمی‌کند. رسانه یک سکوی مشروع برای کسانی فراهم می‌سازد که می‌خواهند اطلاعاتی را برای عموم مردم منتشر کنند. زمانی که نظرها افشاگران، در مورد تخلفات مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد،

یا مدیران ارشد در تخلفات سهیم باشند، یا زمانی که افشاگران از انتقام مدیران بالایی بترسند، احتمال بیشتری دارد که به رسانه‌ها مراجعه کنند. تصور می‌شود، رسانه‌های خبری با توانایی عمومی ساختن شکایات افشاگرها و ایجاد فشار بر سازمان، قدرت تأثیرگذاری بر امور عمومی را داشته باشند و در همین حین می‌توانند هویت شخص افشاگر را نیز فاش نکنند (مور و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۳۰). برای مثال پیلاتوس (Pilatus) که دارایی معادل ۳۰۸ میلیون یورو را اظهار کرده است، باعث بحث‌های زیادی در جزیره مالت شده است. گفته می‌شود که این بانک حساب‌های مقام‌های سطح بالای حکومتی و همچنین نخست وزیر جوزف موسکات و اعضای خانواده حاکم جمهوری آذربایجان را نگه می‌داشته است. دفنه کرم ناگالیزیا، ژورنالیستی که خود را وقف مبارزه با فساد کرده، فساد این موسسه مالی را افشا کرده است.^۱

روزنامه‌نگاران موارد بسیاری از فسادهای جدی را در دنیا افشا کرده‌اند؛ از مهم‌ترین آنها، در پاکستان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کارخانه فولاد پاکستان به میزان ۶/۲ بلیون روپیه؛
 - رسوایی محدود شرکت ملی بیمه؛
 - رشوه و فساد در فرودگاه‌های بین‌المللی پاکستان که باعث خسارت ۵۰۰ میلیون دلاری می‌شد؛ اختلاس در خط آهن پاکستان که منجر به خسارات مالی بزرگ می‌شد؛
 - پرونده فساد در حج؛
 - پرونده ۴۰ کانتینر ناتو که به سوی افغانستان می‌رفتند و گم شدند؛
 - فساد در پروژه‌های هزینه برق؛
 - فساد ملک ریاض، که در آن گفته می‌شد پسر قاضی القضاة افتخار محمد چادری از ملک ریاض پول گرفته تا تصمیمات دادگاه عالی را به نفع او برگرداند.^۲
- نقش نظارتی رسانه‌ها، معمولاً در پیشگیری از فساد بسیار مهم است؛ به طوری که داشتن رسانه‌های تخصصی، در رصد اعمال متصدیان دولتی و افشاگری تخلفات آنان بسیار مؤثر است. در قسمت ت بند اول ماده ۱۳ کنوانسیون مریدان نیز، از کشورهای عضو خواسته شده تا «از آزادی یافتن، دریافت، نشر و توزیع اخبار مربوط به فساد مالی حمایت کنند».

اصل ۲۴ قانون اساسی نیز بیان می‌دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه حمل به مبانی اسلامی و یا حقوق عمومی باشند تفصل آن را قانون معین می‌کند.» از این مقرر نیز می‌توان برای خبررسانی مستقل استفاده کرد.

سه مشخصه از فرم قطعی فساد وجود دارد

۱. درجه‌ای از اینکه نخبگان تمایل خدمت به عموم مردم را، قربانی تمایل به ثروت شخصی می‌کنند؛
۲. فرمی که رانت‌ها بین نخبگان و طرف‌های بخش خصوصی تقسیم شده‌اند؛

۳. قدرت مذاکره کارگزاران، در برابر قدرت مذاکره طرف‌های بخش خصوصی، در مشخص کردن میزان لطمه به منافع عمومی.

در منتهی‌الیه بازه فساد سیاسی، فساد "قانونی" از قدرتی برمی‌خیزد، که توسط کارگزاران دولتی برای تصویب قوانینی به نفع بخش‌هایی خاص از جامعه، اعمال می‌کنند. پاداش این کارگزاران ممکن است به طور غیر مستقیم و در فرم رسیدن به یک مقام باشد. این سیاستمدار تصور می‌کند، با تصویب قوانینی به نفع برخی شرکت‌ها و افراد ثروتمند، می‌تواند آرای بیشتری جذب کند.

سه مرحله دیگر از فساد سیاسی، شامل موقعیت‌هایی می‌شود که کارگزاران در آنها، برای منافع گروهی، سیاست عمومی را مخدوش می‌کنند و برای این تصمیم‌هایشان پاداش می‌گیرند. منافع گروهی، با تصویب قوانین به نفع آنها، اجازه دادن به رشد فعالیت‌هایی در جهت حذف رقابت، مخدوش کردن تخصیص منابع عمومی به نفع منافع گروهی و تضمین اینکه اعتراض علیه این موارد فرونشاندن خواهد شد، انجام می‌شود. پاداش این کار به شکل سهم‌های سیاسی، پیشنهاد استخدام در آینده برای خود یا دوستان این کارگزاران، رشوه‌هایی با ارزش‌های مالی بالا یا سهمی از ثروت فراهم شده، ارائه می‌شود. (جین، ۲۰۱۷: ۴)

روش شناسی تحقیق

روش طرح‌های پژوهشی، شیوه‌هایی برای جمع‌آوری، تحلیل، تفسیر و گزارش اطلاعات در مطالعات پژوهشی هستند. این طرح‌ها برای انجام پژوهش، الگوهای مختلفی ارائه می‌دهند. این الگوها نام و شیوه‌های خاصی را با خود دارند. طرح‌های پژوهشی قوی از آن جهت اهمیت دارند، که هدایت‌کننده تصمیم‌های روشنی هستند که پژوهشگران در جریان مطالعات خود باید اتخاذ کنند و ایجادکننده منطقی هستند که در پایان مطالعات برای تفسیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. به طور کلی، پژوهش حاضر بر مبنای هدف، کاربردی و بر اساس ماهیت و روش، توصیفی تحلیلی است.

تحلیل یافته‌ها

در این پژوهش ما از سه معیار استفاده کردیم. شاخص دموکراسی بر اساس رتبه‌بندی ۶۰ معیار است که در پنج دسته فرایند انتخابات و پلورالیسم، آزادی‌های مدنی، عملکرد حکومت، مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی طبقه‌بندی شده‌اند. سالانه، خانه آزادی، آزادی رسانه‌ها را به عنوان مجموعه آزادی مطبوعات اندازه‌گیری و منتشر می‌کند. این شاخص بر اساس رتبه‌بندی ۲۳ پرسش است که در سه ناحیه عمده قانونی، سیاسی و اقتصادی تقسیم شده‌اند. این شاخص در مطالعات این حوزه به طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجایی که انتظار می‌رفت، آزادی مطبوعات همبستگی بالایی با شاخص دموکراسی داشته باشد، ما از یک متغیر کدگذاری شده که یا ۱ بود (آزاد) یا صفر (تا حدودی آزاد و بدون آزادی) استفاده کردیم. داده‌های در مورد فساد بر اساس شاخص ادراک فساد بودند، که سالانه مرکز شفافیت بین‌المللی منتشر می‌کند. شاخص ۲۰۰۸، اطلاعاتی از ۱۳ منبع، که از ۱۱ مؤسسه مستقل به دست آمده بود، استفاده می‌کرد.

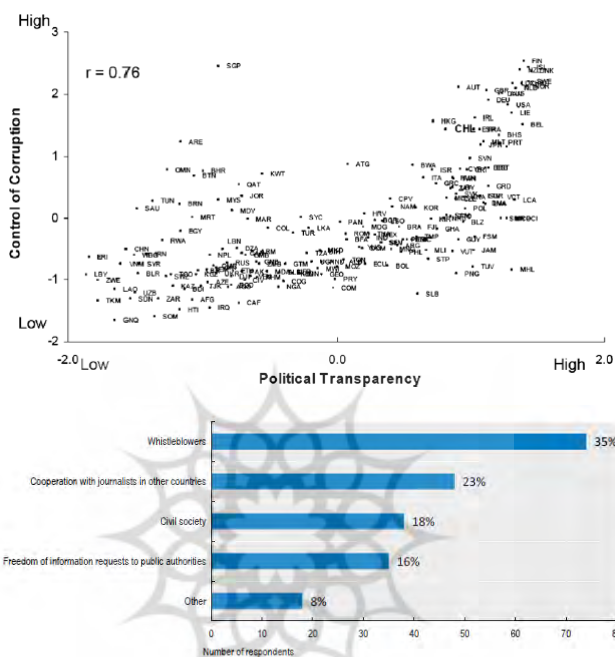
ما برای عملکرد اقتصادی از دو معیار استفاده کردیم: الف. اطلاعات در مورد تولید ناخالص ملی از صندوق بین‌المللی پول به دست آمد. این اطلاعات برای محاسبه توسعه اقتصادی نیز مورد استفاده قرار گرفتند. ب. اطلاعات در مورد سطوح انباشته اعتماد بین فردی از وبسایت پیمایش ارزش‌های جهانی به دست آمد. (هانیتزش و برگانزا، ۲۰۱۲: ۷۹۵۸۰۵)

در پرسشنامه فاصله از قدرت بر اساس مقیاسی ۵ نمره‌ای اندازه‌گیری شد. از روزنامه‌نگاران خواسته شد تا مشخص کنند تا چه حدودی خود را ناظر بر حکومت می‌دانند. علاوه بر این، ما به حوزه تجربه حرفه‌ای، آموزش، جنسیت، سن وارد شدیم.

فاصله از قدرت	اعتماد بین فردی (درصد)	رشد GDP (درصد)	GDP	شاخص ادراک فساد	شاخص دموکراسی	ازادی مطبوعات	میانگین اعتماد نهادی (انحراف معیار)	
۳/۰۷	۴۶/۱	۵۲/۲	۳۸/۲۲۴	۸/۷۰	۹/۰۹	۲۱	(۰/۶۲) ۱/۹۰	استرالیا
۳/۲۱	۳۳/۹	۵۳/۵	۳۹/۸۷۶	۸/۱۰	۸/۴۹	۲۱	(۰/۵۰) ۲/۰۶	اتریش
۳/۴۵	۹/۴	۵۳/۷	۱۰/۵۲۵	۳/۳۵۰	۷/۳۸	۴۲	(۰/۵۶) ۱/۳۳	برزیل
۲/۹۳	۲۶/۹	۱۳۳/۸	۱۳/۱۸۷	۳/۸۰	۷/۰۲	۳۳	(۰/۸۹) ۱/۲۱	بلغارستان
۲/۸۰	۱۲/۶	۶۱/۵	۱۴/۵۹۹	۶/۹۰	۷/۸۹	۳۰	(۰/۵۸) ۱/۷۹	شیلی
۳/۲۱	۵۲/۳	۲۰۹/۵	۶/۱۸۷	۳/۶۰	۳/۰۴	۸۴	(۰/۶۶) ۲/۳۴	چین
۳/۷۹	۱۸/۵	۶۷/۷	۵/۹۰۱	۲/۸۰	۳/۸۹	۵۹	(۰/۹۱) ۱/۹۰	مصر
۳/۳۳	۳۶/۸	۴۸/۹	۳۵/۷۲۸	۷/۹۰	۸/۸۲	۱۶	(۰/۴۹) ۲/۲۲	آلمان
۳/۰۳	۲۳/۷	۷۷/۳	۲۹/۹۶۸	۴/۷۰	۸/۱۳	۲۷	(۰/۶۷) ۱/۵۶	یونان
۳/۲۰	۴۲/۵	۷۹/۰	۳/۹۸۵	۲/۶۰	۶/۳۴	۵۴	(۰/۴۹) ۱/۱۹	اندونزی
۲/۳۸	۲۳/۵	۵۰/۹	۲۸/۶۱۰	۶/۱۰	۷/۴۸	۲۸	(۰/۶۲) ۱/۷۱	اسرائیل
۲/۹۰	۱۵/۶	۴۷/۶	۱۴/۵۰۶	۳/۶۰	۶/۷۸	۵۱	(۰/۸۰) ۱/۰۳	مکزیک
۳/۱۱	۳۰/۸	۶۲/۹	۲/۶۹۰	۲/۵۰	۴/۴۶	۶۶	(۰/۷۵) ۱/۷۱	پاکستان
۲/۳۵	۲۰/۳	۱۲۰/۵	۱۲/۶۴۰	۳/۸۰	۷/۰۶	۴۴	(۰/۸۰) ۱/۱۳	رومانی
۲/۵۶	۲۶/۲	۱۵۴/۰	۱۶/۰۴۰	۲/۱۰	۴/۴۸	۷۸	(۰/۷۵) ۱/۲۹	روسیه
۲/۷۱	۲۰/۰	۵۵/۳	۳۰/۸۴۸	۶/۵۰	۸/۴۵	۲۳	(۰/۵۹) ۱/۹۱	اسپانیا
۲/۷۷	۵۳/۹	۴۳/۵	۴۱/۴۷۱	۹/۰۰	۹/۱۵	۱۳	(۰/۵۳) ۲/۲۹	سوئیس
۳/۳۵	۴/۹	۷۵/۰	۱۳/۱۰۸	۴/۶۰	۵/۶۹	۵۱	(۰/۷۶) ۱/۲۰	ترکیه
۳/۴۳	۷/۶	۸۶/۹	۱/۱۵۸	۲/۶۰	۵/۰۳	۵۳	(۰/۶۴) ۱/۵۵	اوگاندا
۳/۳۹	۳۹/۳	۴۷/۲	۴۶/۹۰۱	۷/۳۰	۸/۲۲	۱۷	(۰/۶۳) ۱/۷۹	ایالات متحده

مختصات رابطه شفافیت سیاسی و کنترل فساد

در این مختصات محور افقی شفافیت سیاسی و محور عمودی کنترل فساد را نشان می‌دهند. (کافمن و بلور، ۲۰۰۵)



از میان منابع اطلاعاتی روزنامه‌نگاران برای گزارش فساد، ۳۵ درصد سهم افشاگران، ۲۳ درصد در نتیجه همکاری با روزنامه‌نگاران در کشورهای دیگر، ۱۶ درصد در نتیجه درخواست آزادی اطلاعات به مقامات دولتی و ۸ درصد از طرق دیگر بوده است. (رک، گزارش سازمان بین‌المللی همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۸)

روابط سیاسی و فساد

پست‌های حکومتی، تأثیرات عمیقی بر عملکرد شرکت‌ها دارند. در نتیجه، جای تعجب نیست که شرکت‌ها اقداماتی را انجام دهند تا روابط خوبی با مقامات کلیدی حکومت ایجاد کنند. این اقدام‌ها می‌تواند شامل تلاش‌های لابیگری، شرکت در کمپین‌ها و مشارکت دادن افراد با روابط سیاسی در هیئت مدیره‌شان شود. شواهدی وجود دارد که این روابط در سال‌های اخیر بسیار همه‌گیر شده‌اند. کانگ و ژانگ (۲۰۱۱) با استفاده از داده‌های شرکت‌ها، در ایالات متحده دریافتند، در سال ۱۹۹۰، ۳۱/۵ درصد از نمونه از شرکت‌ها مدیرانی با روابط سیاسی داشتند، این رقم در ۲۰۰۷ به ۵۴/۵ درصد

رسید. به طور مشابهی نیز، مجله یواس‌ای تودی در سال ۲۰۰۰، گزارش داد که ۵۵ درصد از ۱۰۰ شرکت لیست فورچون، دارای مدیرانی با روابط سیاسی هستند. (هوستون و همکاران، ۲۰۱۴: ۲) ما در پژوهش خود دو کانال را برای یافته‌های اصلی مورد بررسی قرار دادیم. کانال وام‌گیرنده، نشان می‌دهد که روابط سیاسی در خدمت افزایش سوددهی شرکت، یا کاهش ریسک آن هستند. وام‌دهندگان که این شرایط را به رسمیت می‌شناسند، این روابط را به عنوان بخشی از ارزیابی خود از ریسک اعتباری ارزشگذاری می‌کنند. در مقابل، کانال بانک نشان می‌دهد که به وام‌های افراد با روابط سیاسی تخفیف می‌دهند، تا بتوانند روابط سیاسی خودشان را بهبود بخشند. این کار به آنها کمک می‌کند تا برخوردهای مقرراتی مطلوبی به دست آورند یا آنها را حفظ کنند، به نظر می‌رسد این مورد که در کشورهای در حال توسعه حائز اهمیت باشد.

ما دریافته‌ایم که رابطه منفی بین روابط سیاسی و هزینه وام‌های بانکی، برای شرکت‌هایی که به تدارکات حکومتی وابسته‌ترند و یا شرکت‌هایی که بیشتر، با رقابت خارجی مواجه‌اند، عمیق‌تر است. همچنین امکان کمتری وجود دارد که در دوره پس از دریافت وام، شرکت‌های با روابط سیاسی مستحکم، نسبت به رقبای بدون روابط سیاسی، کاهش در ارزش اعتباری خود تجربه کنند. (هوستون و همکاران، ۲۰۱۴: ۳)

در نهایت، ما دریافته‌ایم، احتمال کمتری وجود دارد که بانک‌ها در قراردادهای اعتباری خود، محدودیت‌هایی برای خرج سرمایه، بر شرکت‌های با روابط سیاسی تحمیل کنند. این نتایج، بینش‌های جدیدی، را در مورد چگونگی روابط سیاسی بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌ها فراهم کردند و به ایجاد درکی بهتر از تأثیرات روابط سیاسی کمک کردند. به طور کلی، نتایج پژوهش ما نشان داد که روابط سیاسی، تأثیر مهمی بر هزینه‌ها و شرایط وام‌دهی بانک‌ها دارند و بدین وسیله پرتوی بر پیامدهای روابط سیاسی انداخت. (هوستون و همکاران، ۲۰۱۴: ۳)

سه دلیل وجود دارد که ادارات اجرای قانون در مبارزه با فساد موفق نمی‌شوند. نخست، اینکه دادگاه‌ها به‌تنهایی نمی‌توانند فساد با مقیاس بزرگ را تغییر دهند. مبارزه با فساد تنها یک مشکل جنایی نیست، بلکه یک مشکل سیستماتیک است. دوم اینکه کیفیت کار ادارات اجرای قانون پایین است؛ آنها خود آلوده به فساد هستند و سطح حرفه‌ای افسران آنها در حد پیچیدگی این مشکل نیست. سوم، اینکه سیستم اجرای قانون، به‌تنهایی نمی‌تواند با این مشکل مقابله کند، حل این مشکل مستلزم تلاش‌های مشترک دولت و جامعه است. (لوین و ستاروف، ۲۰۰۰: ۱۲۷)

فساد و نهادهای دولتی و مالی

مطالعات اندکی در مورد فساد در سیستم وام‌دهی بانک‌ها به شرکت‌ها وجود دارد. پژوهشگران و سیاستگذاران، مدت‌ها است بر نقش رقابت در کاهش فساد در فعالیت‌های تجاری تأکید کرده‌اند. ولی مطالعات در مورد اهمیت این امر برای صنعت بانکداری وجود ندارد. ما استدلال می‌کنیم،

رقابت بیشتر در میان بانک‌ها، با افزایش قدرت چانه‌زنی شرکت‌ها، فساد در امر وام‌دهی را کاهش می‌دهد. در مقابل، افزایش رقابت بین شرکت‌ها می‌تواند، باعث افزایش فساد در فرایند وام‌دهی شود زیرا فشار رقابتی بیشتر در بازار آنها می‌تواند مدیران شرکت‌ها را وادارد تا با شدت بیشتری به دنبال وام بانکی بروند. این موقعیت باعث افزایش رشوه در فرایند وام‌دهی بانکی شود. (بارث و همکاران، ۲۰۰۹: ۳۶۱)

تبادل اطلاعات در ادارات خصوصی، به بخش بسیار مهمی از پیشرفت‌های اخیر بانکی در بانکداری مدرن، بدل شده است. در بسیاری از کشورها، بانک‌ها به طور روتین اطلاعاتشان را در مورد ارزش اعتباری وام‌گیرندگانشان به اشتراک می‌گذارند. بر طبق یک پیمایش با مقیاس بالای بانک جهانی، که میلر (۲۰۰۳) توضیح داده است، بیش از نیمی از ۷۷ کشور مورد بررسی، یک سیستم ثبت اعتبار دولتی داشتند و بیش از ۴۰ درصد از این کشورها یک اداره خصوصی نیز ایجاد کرده بودند.

بانکدارها در معرض مشکلات مربوط به عدم تقارن اطلاعات هستند که تحت آن، وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان در مورد ریسک وام اطلاعات متفاوتی دارند. به دلیل اطلاعات ناقص در فرایند وام‌دهی، میزان چشمگیری از قدرت تصمیم‌گیری در مورد شرایط وام‌دهی، در اختیار کارمندان وام‌دهی است. این اختیارات در دسترس کارمند وام‌دهی، جا را برای رشوه باز می‌کند. ما استدلال می‌کنیم، تبادل اطلاعات با کاهش میزان اختیاراتی که با فرم‌های ارزیابی وام‌دهی اعمال می‌شوند، به کاهش فساد وام‌دهی بانک‌ها کمک می‌کند. علاوه بر این، تبادل اطلاعات، نظارت بر کارمندان وام‌دهی را هم تسهیل می‌کند و هم افزایش می‌دهد و احتمال کشف جرائم مربوط به فساد را بالا می‌برد. همچنین، تبادل اطلاعات باعث کاهش رانت‌های اطلاعاتی می‌شود، که بانک‌ها می‌توانند از طریق روابط مربوط به وام‌دهی از مشتریانشان استخراج کنند. این امر به نوبه خود رقابت را افزایش و فساد وام‌دهی را کاهش می‌دهد (بارث و همکاران، ۲۰۰۹: ۶۸-۳۶۵). مطالعات نشان می‌دهند که بانک‌های برخی از کشورهای به ویژه بانک‌های چینی از اصول تجاری و کیفیت شرکت به عنوان عواملی مهم در فعالیت‌های وام‌دهی خود استفاده می‌کنند. این یافته شگفت‌آور است، زیرا سیستم اقتصادی چین هنگام تخصیص منابع اقتصادی محدود خود، بر یک چارچوب قانونی قدرتمند تکیه ندارد، بلکه بر متدهای حکومتی غیرسستی از قبیل فساد و روابط سیاسی تکیه دارد. (چین و همکاران، ۲۰۱۳: ۳۷)

علاوه بر این یافته‌های اساسی، ما نتایج اضافی متعددی نیز دریافت کردیم:

۱. شرکت‌های با مالکیت دولتی یا خارجی، کمتر در معرض فساد وام‌دهی هستند. توضیح ما در مورد این یافته، این است که شرکت‌های دولتی یا خارجی قدرت چانه‌زنی بیشتری برای وام، در مذاکره با بانکدارها دارند.
۲. شرکت‌های صادرکننده دارای فساد کمتری هستند. توضیح اینکه آنها همچنین می‌توانند دسترسی

بیشتری به اعتبارات خارجی داشته باشند و بنابراین قدرت چانه‌زنی بیشتری در مذاکرات مربوط به وام‌های بانکی دارند.

۳. دادگاه‌های بی‌طرف و اجرای قانون، بهتر می‌توانند فساد وام‌دهی را کاهش دهند. این امر مورد انتظار است؛ زیرا فساد وام‌دهی معمولاً مربوط به دیگر فعالیت‌های غیرقانونی است و یک فضای قانونی با عملکرد مناسب می‌تواند به کاهش این فعالیت‌ها کمک کند.

۴. مالکیت خصوصی و خارجی بر صنعت بانکداری با یکپارچگی بیشتر در وام‌دهی ارتباط دارد. مشابه با مورد BDL (۲۰۰۶)، افزایش قدرت مدیریت رسمی به کاهش فساد وام‌دهی بانکی کمک نمی‌کند. امروزه مطالعات اندکی در مورد نقش تبادل اطلاعات در میان وام‌دهندگان انجام شده است. پاگانو و چاپلی (۱۹۹۳) در مطالعه نظری خود نشان دادند، تبادل اطلاعات با بهبود گزینه‌های وام‌گیرنده، باعث کاهش گزینش‌های نامساعد می‌شود، همچنین این امر می‌تواند از طریق تأثیرات انگیزشی خود، بر کاهش رفتار بی‌پروای وام‌گیرندگان، در رسیدگی به مشکلات اخلاقی مفید باشد (پادیلو و پاگانو، ۱۹۹۷). چاپلی و پاگانو (۲۰۰۲) با استفاده از داده‌های چند کشور دریافتند که فراخی بازارهای اعتباری، با تبادل اطلاعات مرتبط است. کالبرگ و اودل (۲۰۰۳) نشان دادند، تاریخچه اعتباری تجاری در گزارش‌های دان و برداستریت، پیش‌بینی‌های نکول را نسبت به اظهارهای مالی بهبود می‌بخشد. در بررسی اثر رقابت بانکی، بر دسترسی شرکت‌ها به اعتبارات، بک، دمیرگوچ کونت و ماکسیمویچ (۲۰۰۴) دریافتند، تبادل اطلاعات تأثیر منفی تمرکز بر دسترسی به اعتبار را کمتر می‌کند. اخیراً ژانکوف، مکلیش و اشلیفر (۲۰۰۷)، با استفاده از داده‌های ۱۲۹ کشور، دریافتند که ضمانت‌نامه‌های اعتباری از طریق سیستم قانونی و نیز مؤسسه‌های تبادل اطلاعات، با نسبت‌های بالاتری از اعتبار خصوصی به GDP ارتباط دارند.

مقاله حاضر با یافتن شواهدی مبنی بر اینکه تبادل اطلاعات نیز یک وسیله مؤثر در مبارزه با فساد در وام‌دهی بانکی است، به متون حاضر افزوده می‌شود. علاوه بر این، تحلیل ما نشان می‌دهد که نوع مؤسسه اعتباری (دولتی یا خصوصی)، سابقه آن و محتوای اطلاعات گزارش‌دهی اعتباری، همگی در فساد در وام‌دهی بانک مؤثرند.

یک مسئله مهم در متون گسترده مربوط به فساد این است که آیا افزایش رقابت می‌تواند فساد را کاهش دهد؛ روز آکرمن (۱۹۷۸) استدلال می‌کند که رقابت بیشتر در میان مقاماتی که رشوه‌های بالقوه را دریافت می‌کنند، فساد را کاهش می‌دهد. اشلیفر و ویشنی (۱۹۹۳) نشان دادند، زمانی که مقام‌ها، کالاهای حکومتی را توزیع می‌کنند، وجود مقامات رقیبی که زمان درخواست رشوه، افراد بتوانند به آنها مراجعه کنند، معادله میزان فساد را نزولی می‌کند. برخی از پژوهشگران نشان داده‌اند که رقابت بیشتر میان شرکت‌ها، می‌تواند به فساد کمتر منجر شود؛ زیرا فشار بالای رقابت، سود شرکت‌ها را، کاهش می‌دهد، تا جایی که سود اضافی وجود نداشته باشد که با آن بتوانند رشوه پرداخت کنند. (آدس و دی تالا، ۱۹۹۹)

ما سپس تبادل اطلاعات را بررسی می‌کنیم. همه می‌دانند، که بانکداری از مشکلات اساسی مربوط به عدم تقارن اطلاعات رنج می‌برد. شکاف اطلاعاتی بین وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان، می‌تواند از تخصیص کارآمد وام جلوگیری کند (برای مثال جف و راسل، ۱۹۶۷؛ استیگلیتز و وایس، ۱۹۸۱) یا به شکافی بین نرخ‌های وام‌دهی و وام‌گیری منجر شود (برای مثال کینگ، ۱۹۸۶). تبادل اطلاعات بین وام‌دهندگان با افزایش دقت اطلاعات و زمان‌مندی به حل مشکل گزینش نامساعد کمک می‌کند (پاگانو و جاپلی، ۱۹۹۳). همچنین این امر می‌تواند از طریق تأثیرات انگیزشی، بر کاهش رفتار بی‌پروای وام‌گیرنده، در رسیدگی به مشکلات اخلاقی کمک کند (پادیلا و پاگانو، ۱۹۹۷). بدین ترتیب، تبادل اطلاعات، سهم مثبتی در عملکرد بازارهای اعتباری دارد. (بارث و همکاران، ۲۰۰۹: ۳۸۲-۸۸)

فساد چگونه درون‌زا می‌شود

شیفلر و ترپسمن (۲۰۰۰)، در توصیف خود از وضعیت گذار روسیه، از آنالیز بین‌کشوری در مورد آسیب‌های فساد استفاده کردند تا در مورد دلایل فساد در روسیه نظر دهند. آنها مشاهده کردند که درآمد سرانه، ساختار فدرال و عدم ارتباط با دموکراسی و تجارت آزاد، فساد در روسیه را به بهترین نحو توضیح می‌دهند. آنها استنباط کردند که عوامل تاریخی و فرهنگی، به میزان فساد در روسیه ارتباطی ندارند.

به بیان دیگر، آنها فساد در روسیه را امری درون‌زاد نمی‌دانند. این مشاهدات منجر به این شد که «هرچه کشوری بیشتر دموکراتیک و با تجارت آزاد باقی بماند، بیشتر امکان دارد که فساد کاهش یابد، «اگرچه به آهستگی» و اینکه «اگر توسعه اقتصادی بازگردد، فساد باید کاهش یابد». با توجه به پیامدهای فساد، آنها ادعا کردند که فساد «برای توضیح شکست کشور در توسعه بسنده نیست». و مثال‌های تاریخی متعددی، در مورد توسعه سریع در کشورهای دچار فساد ارائه می‌دهند. استدلال آنها دارای یک نوع ظرافت است: آنها نمی‌گویند که فساد به توسعه آسیب نمی‌زند، بلکه می‌گویند تأثیرات مخرب فساد ممکن است گاهی برای درهم شکستن آثار مثبت دیگر عوامل توسعه کافی نباشد. در مجموع ما بیان می‌کنیم که حضور فساد در دادگاه‌ها و در وام‌دهی در روسیه تصدیق می‌شود، مطالعات اندکی در مورد پیامدهای اقتصادی این پدیده انجام شده است. با تحلیل نقش فساد در وام‌دهی بانکی در روسیه، ما پر کردن این شکاف را شروع می‌کنیم. (ویل، ۲۰۱۱: ۲۳۲-۳۵)

راهکارهای مبارزه با فساد

تمامی تلاش‌های موفق در کاهش فساد، با تعهد جامعه و مقامات سیاسی آغاز می‌شود. اما فساد در دو دسته کاهش رانت‌های اقتصادی و افزایش هزینه‌های مربوط به درآمد فاسد، قرار می‌گیرند.

رانت‌های اقتصادی، برای ادامه فساد ضروری هستند. کنترل‌های ضعیف، استخراج این رانت‌ها را برای منافع شخصی ممکن می‌سازند. (جین، ۲۰۱۷: ۷)

الف. کاهش رانت‌های اضافی. نظریه‌های اقتصادی استدلال می‌کنند که رویکرد مؤثر در مبارزه با فساد، کاهش ارزش رانت‌های اقتصادی خواهد بود. این کار می‌تواند با کاهش مقررات و افزایش رقابت انجام پذیرد. همان طور که، رقابت در بازارهای کالا و خدمات منافع انحصار را کاهش می‌دهد، رقابت در بازارهای بوروکراتیک و مقرراتی نیز، باید رانت‌های اقتصادی را کمتر می‌کند. انگیزه مقامات دولتی فاسد، کاهش رقابت است. مقررات زدایی می‌تواند از طریق نظارت به دست آید که تضمین می‌کند نیاز به مدیریت شکست‌های بالقوه بازار، مقررات را توجیه می‌کند، نه اینکه شرایط بوروکراتیک بتواند مقررات را کنترل کند. نظارت نیز باید تضمین کند که مقررات حکومتی، مانعی برای ورودی ایجاد نخواهد کرد. "مقررات زدایی می‌تواند فساد را کاهش دهد؛ این با افزایش رقابت انجام نمی‌شود، بلکه حدی انجام می‌شود که توانایی دریافت رشوه مقامات دولتی کاهش یابد."

ب. افزایش هزینه‌های همکاری در فساد. در بیشتر موقعیت‌ها، یک بروکرات استفاده از رشوه را بدون تقسیم آن با دیگران، دشوار می‌یابد. فساد در یک سطح از بروکراسی، به ندرت می‌تواند بدون انتشار در سطوح دیگر، ادامه یابد. یک راهبرد برای جلوگیری از انتشار فساد درون یک سازمان، افزایش هزینه‌های مرتبط با فساد خواهد بود. مبارزه با فساد بوروکراتیک، نیازمند تقویت مکانیسم‌های کشف فساد از جمله: تسهیل ساز و کارهای رسوا کردن افراد فاسد، افزایش شفافیت و اجرای قوانین، همچنین همکاری مقامات بالای آن بخش یا تمامی بروکراسی است. اگر مقام‌های بالای یک سازمان به فساد آلوده باشند، باید تشخیص فساد و اجرای قانون، مسئولیت یک اداره مستقل باشد. از سوی دیگر، تشخیص این نوع از فساد در صورتی آسان خواهد شد که "رسواکنندگان" هم تشویق شوند و هم پاداش دریافت کنند یا حداقل از پیامدهای نامطلوب در امان باشند. چالش، در ایجاد شرایطی است که مشارکت در فساد را برای مقامات دولتی پرهزینه می‌کند و منافع مشارکت در فساد را کاهش دهند. چندین شیوه برای به دست آمدن این هدف وجود دارد:

۱. **فرآیند قانونگذاری.** چنین اصلاحی می‌تواند شامل ایجاد محدودیت برای کسانی باشد که می‌توانند به سیاستمداران و کاندیداهای مقام‌های دولتی کمک مالی کنند. اطلاعات در مورد این کمک‌ها باید در اختیار عموم قرار بگیرد. همچنین تمام فعالیت‌های لابیگری باید آشکار باشد. فعالیت‌های لابیگری که به بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی را شکل می‌دهد، باید به اطلاعاتی در اختیار عموم مردم بدل شوند.

۲. **پاسخگویی.** ادارات باید در قبال هر صندوقی که تحت کنترلشان است، پاسخگو باشند. آنها باید ملزم باشند، تا مدارکی از تمام مخارج خود ارائه دهند و اشخاص مستقل حسابرسی ادارات

را انجام دهند. دلایل متعددی وجود دارد، که حسابرس‌ها می‌توانند به کاهش فساد کمک کنند. نخست، اینکه ممکن است این امر بر گزینش سیاسی تأثیر داشته باشد؛ «رای‌دهندگان به صاحب‌منصبان خوب، پاداش خواهند داد و صاحب‌منصبان بدی را که برای انتخاب‌کنندگان شده‌اند، مجازات خواهند کرد. دوم اینکه حسابرسی ممکن است به یک اثر تنبیهی انتخاباتی قوی‌تر» منجر شود؛ زیرا یک حسابرسی می‌تواند احتمال کشف فساد سیاسی را در زمان انتخابات افزایش دهد. سوم، اینکه حسابرسی‌ها می‌توانند زمینه گزینش بهتری را از کاندیداهای وارد شده به رقابت‌های سیاسی، ایجاد کنند.

۳. **افزایش شفافیت.** فقدان اطلاعات، یکی از مهم‌ترین موانع بر سر راست‌کرداری است. مبارزه با فساد زمانی آسان‌تر خواهد شد که اطلاعات در دو حوزه برای عموم مردم شفاف شوند. نخست، اینکه اطلاعات فعالیت‌ها و ثروت مقام‌های دولتی شفاف شوند؛ دوم، اینکه شفاف بودن اطلاعات در مورد تصمیم‌های تدارکات حکومتی در گذشته، باعث ایجاد هنجارهایی می‌شود، که مقامات بالقوه فاسد به سختی می‌توانند از آنها تخطی کنند.

۴. **حفاظت از رسواکنندگان فساد.** رسواکنندگان فساد، باید مورد تشویق قرار گیرند و در برابر کسانی که اطلاعاتشان آشکار شده، حفاظت شوند.

۵. **اجرای قانون.** کنترل فساد، زمانی آسان‌تر می‌شود، که ادارات اجرای قانون قدرت پیگیری تخلفات بالقوه را داشته باشند.

۶. **رسانه‌های مستقل.** (خمانی و همکاران) (khemani) در مورد اهمیت رسانه‌های مستقل در مبارزه با فساد بحث می‌کنند. این نویسندگان در مورد یک رسانه در پرو بحث می‌کنند، که از همکاری سرباز می‌زند و به ریشه‌کن کردن فساد در این کشور کمک می‌کند. (خمانی و همکاران (۲۰۱۶: ۷۷-۱۷۴) مهم‌ترین کمیسیون مبارزه با فساد کانادا، سال ۲۰۱۵ گزارشی در مورد صنعت ساخت‌وساز و قراردادهای منتشر ساخت. این گزارش شامل ۶۰ توصیه برای حکومت بود که مهم‌ترین آنها به شرح زیر هستند:

- قوانین فعالیت‌های پس از استخدام، مربوط به افراد با مناصب بالا، باید سختگیرانه‌تر شوند.
- برای شکستن ارتباط، بین جمع‌آوری منابع مالی سیاسی و پاداش به شکل قرارداد، این کمیسیون پیشنهاد کرد، در دوره‌های جمع‌آوری منابع مالی بستن قرارداد ممنوع می‌شود.
- تمامی هدایا و کمک‌های مالی به مقامات دولتی باید کنترل شوند.
- فرآیند تدارکات باید متمرکز شود. این امر ممکن است به تمرکز تخصص و اطلاعات، در مورد زمینه تدارکات منجر شود. اگر این کار با عمومی ساختن اطلاعات در مورد تدارکات قبلی همراه شود، می‌تواند باعث کاهش فرصت فساد شود.
- ورود افراد به صنعت ساخت‌وساز باید دشوارتر و تضمین شود که سهام‌داران در این صنعت سابقه جنایی ندارند.

شفافیت و رسانه

نخبگان کسب و کار از تاثیر رسانه‌های عمومی آگاه هستند. در نتیجه، ما شاهد منازعه‌ای بین گروه‌های مختلف، برای کنترل کانال‌های اطلاعاتی به مفهوم وسیع کلمه هستیم. با توجه به اینکه هیچ مقرراتی ناظر بر روابط اقتصادی و قضایی، بین روزنامه نگاران و "مدیران آنها" وجود ندارد، رسانه‌های جمعی خصوصی، به ابزاری برای مبارزه بین گروه‌های بوروکراتیک و اقتصادی تنزل یافته‌اند. یکی از موانع اقدامات ضد فساد، مقامات بالایی هستند که ممکن است، به فساد متهم شوند. گروه بزرگی از مقام‌ها وجود دارند، که نمی‌خواهند وضعیت موجود تغییر کند. کلیشه‌های قدیمی در بروکراسی دولتی حاکم هستند، رویکردهایی غیرمؤثر را به عنوان راهکارهایی برای حل مشکلات مربوط به فساد دیکته می‌کنند. (لویین و ستاروف، ۲۰۰۰: ۱۲۸)

ضرورت شفافیت، بیشتر در مبارزه با فساد مالی و اداری مطرح می‌شود. از آنجا که بیشتر جرائم مربوط به فساد به شکل سازمان یافته است، در مبارزه با آنها توسل به شفافیت ضروری است. نخستین بار، کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل در سال ۲۰۰۳ ضرورت شفافیت را مطرح کرد؛ کنوانسیون، دول عضو را ملزم می‌کند در جهت افزایش مشارکت‌های فردی و گروهی «در کاهش فساد یا مبارزه علیه آن و افزایش آگاهی عمومی نسبت به وجود، علل و شدت فساد و تهدیدات ناشی از آن» تلاش کنند. برای جلب مشارکت تضمین دسترسی مؤثر عموم به اطلاعات لازم است. پس دولت ملزم است «آزادی برای جست‌وجو، دریافت، انتشار و عمومی‌سازی اطلاعات مربوط به فساد را محترم بشمارد، تقویت و حفاظت کند».^۳ (بیابانی، ۱۳۹۴: ۱۹۰)

شفافیت و انتشار اطلاعات در زمینه جرائم فساد با چالش‌هایی روبه‌روست. تجربه رسانه‌های کنیا، در رتبه سی و سوم فسادخیزترین کشور دنیا و سومین کشور فسادخیز افریقا قرار دارد، قابل توجه است. مهم‌ترین چالش‌های شفافیت در این کشور - که مشابه آن را در کشورهای دیگر نیز می‌توان دید - به شرح زیر است:

قانون اساسی در تمام کشورها قوانین اساسی، آزادی بیان و اطلاعات را لازم می‌شمارند، اما کنیا قوانینی دارد که این حق را مقید می‌کند. برای مثال در قوانین کنیا آزادی بیان با قیود مبهمی مثل امنیت ملی، سلامت عمومی، نظم عمومی و اخلاق عمومی محدود می‌شود. همچنین قوانین کفیری ناظر به توهین و افترا و نشر اکاذیب، انتشار اطلاعات مربوط به فساد را در این کشور دشوار و مخاطره آمیز می‌کند. (جارسو، ۲۰۱۰: ۷۱)

شفافیت و کاهش فساد

منظور از شفافیت، دسترسی مستمر و قابل اعتماد همه ذینفعان به اطلاعات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. برخی از مشکلات ناشی از عدم شفافیت عبارتند از:

- فساد را کم خطرتر و جذاب تر می‌کند. روشن است که افزایش شفافیت، خطر کشف و دستگیری

- مقامات فاسد را افزایش می‌دهد و با ضعف شفافیت، جذابیت منافع فساد بیشتر می‌شود. شفافیت ادله اثبات را تقویت و احتمال محکومیت را بالا می‌برد و برعکس، ضعف شفافیت احتمال بی‌کیفر ماندن را بالا می‌برد. از مزایای دیگر شفافیت، کاهش بهانه و میزان رشوه است.
- انگیزه‌سازی را تقویت می‌کند. تمام سیاست‌های تشویقی که برای افزایش کارکرد و بهبود کیفیت طراحی می‌شود در صورتی قابل اعمال است که اطلاعات روشنی از عملکرد زیرمجموعه وجود داشته باشد. برای این اطلاعات نمی‌توان به گزارش شخصی کارکنان اعتماد کرد. نبود شفافیت فساد در عملکرد و ارائه اطلاعات را میسر و انگیزه‌سازی را بی‌تأثیر می‌کند
 - انتصاب بهترین‌ها. در سازمانی با شفافیت کمتر، پیدا کردن و انتصاب اشخاص امین و کارآمد دشوار می‌شود. چه بسا فقر نظارت و اطلاعات به انصاب یک شخص فاسد بینجامد.
 - پیدایش رانت‌های اطلاعاتی. محدودیت شفافیت به معنای محرمانه بودن اطلاعات است. دسترسی عده محدود به طیف گسترده‌ای از اطلاعات محرمانه بهانه‌ای برای شکل‌گیری روابط و معاملات اطلاعاتی و شبکه‌های سازمان یافته‌ای از فساد است.
 - اعتماد عمومی به نهادهای رسمی را ضعیف می‌کند. (کلستاد، ۲۰۰۹: ۵۲۳)
- شفاف‌سازی یک عنصر ضروری نگرش‌های اصلی است که دولت‌ها برای ارتقای باز بودن و کاهش فساد به کار برده‌اند. فقدان شفافیت می‌تواند:
- از انگیزه‌های عمومی برای فعالیت پاسخ‌گویانه مقامات رسمی عمومی و به سود عموم جلوگیری می‌کند.
 - مزیت اطلاعاتی برای گروه‌های ممتاز ایجاد کند.
 - کنترل بر روی منابع را ایجاد و حفظ کند.
 - ایجاد انگیزه برای فرصت‌طلبی و تضعیف همکاری.
 - توانایی انتخاب درستی و کارآمدی در وضعیت‌های ناحیه عمومی و شرکای قرارداد را محدود کند.
 - از اعتماد اجتماعی و توسعه جلوگیری کند.
- شفاف‌سازی می‌تواند برای محدودیت یا جلوگیری از خیلی از این فرصت‌های در جهت رفتار فاسد به خدمت گرفته شود. (بیابانی، ۱۳۹۷: ۱۵۶)

نتیجه‌گیری

مطالعات بسیاری نشان داده‌اند، کشورهایی با فساد بیشتر و گسترده‌تر توسعه اقتصادی آهسته‌تر دارند و رشد درآمد سالانه کمتری دارند. فساد مهم‌ترین مانع در برابر خروج از چرخه باطل فقر، نابرابری اقتصادی، بیسوادی و سرمایه‌گذاری ناکارآمد است. کشورهای دارای فساد از منابع طبیعی و انسانی در دسترس بد استفاده می‌کنند یا اصلاً نسبت به آن‌ها بی‌توجه هستند. فساد یک تهدید جدی در برابر سرمایه‌گذاران خارجی است و سهم چشمگیری در بی‌ثباتی سیاسی و بی‌اعتقادی گسترده به نهادهای حکومتی و دولتی می‌شود. فساد باعث به خطر انداختن درآمدهای

دولتی می‌شود. قوانین مبهم و مرتبا در حال تغییر که به مقامات دولتی اختیارات عظیمی می‌دهند، پیش زمینه‌هایی مناسب برای فساد گسترده هستند. این امر منجر به عدم اطمینان در فعالیتهای مربوط به کسب و کار می‌شود و دستیابی به توسعه اقتصادی و کاهش فقر را ناممکن می‌سازد. فساد گسترده و پیوند خوردن حکومت و جرائم سازمان یافته به خصوص در کشورهای در حال گذار خطرناک هستند زیرا کشورهای در حال گذار جایی هستند که فرآیند خصوصی سازی اموال عظیمی را دربرمی‌گیرد که نتیجه فعالیت نسل‌های گذشته است (بیجاکوویچ، ۲۰۱۷: ۱). فساد یک پدیده پیچیده است که بر مشکلات جدی نهادها دلالت دارد. اما اقدامات قانونی به تنهایی نمی‌توانند در رسیدگی به مشکلات مربوط به فساد در کشورهای در حال توسعه موثر باشد. در همین زمان، آکادمیسین‌ها و سیاستگذاران به نقشی که ICT می‌تواند در کاهش فساد داشته باشند، اشاره کرده‌اند. تلفن‌های همراه و اینترنت قدرت ضدفساد خود را، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نشان داده‌اند. از آنها می‌توان به طور موثری در کاهش اختیارات مقامات و در افزایش شفافیت استفاده کرد و ژورنالیزم مشارکتی را افزایش داد. به طور خاص، کاربردهای دولت الکترونیک از طریق حکومت باز و داده‌های، باز به روشنی نشان دهنده بهبودهایی در شفافیت و پاسخگویی هستند (سامی و ساسی، ۲۰۱۷: ۵۳).

رسانه‌ها تأثیرات متحول‌کننده‌ای بر نحوه ارتباط افراد با یکدیگر، دولت‌ها و همچنین روش‌هایی داشته‌اند که دولت‌ها می‌توانند شفافیت و کاهش فساد را ارتقا دهند. به طور کلی، استفاده دولت از رسانه‌ها سه فرصت عمده برای انقلاب دولت، فناوری اطلاعات و ارتباطات ارائه می‌دهد:

۱. ارتقای مشارکت و تعهد دموکراتیک؛
 ۲. تسهیل تولید همزمان محتوا بین دولت‌ها و عموم مردم؛ و
 ۳. نوآوری‌ها و راه‌حل‌های جمع‌سپاری
- همانطور که در بالا توضیح داده شد، استفاده از رسانه‌های سنتی و اجتماعی در تلاش‌های مربوط به مبارزه با فساد و باز بودن می‌تواند به طور بالقوه تمام این سه عنصر را شامل شود. به طور سنتی، فناوری اطلاعات و ارتباطات جدید کسانی را که در حال حاضر در قدرت هستند مورد توجه قرار داده است. با بهبود خطوط ارتباطات، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مانند تلگراف و سپس تلفن، توانستند ابزاری برای افزایش اثربخشی در حکومت و کنترل استعماری ایجاد کنند و "قدرت حاکمان بر افراد تحت حکومت" را تقویت کنند. از طرف دیگر، برنامه‌های کاربردی رسانه‌های اجتماعی از طریق اینترنت توانایی بهبود رویکردهای موجود را در زمینه شفافیت و ایجاد فرهنگ‌های جدید باز بودن دارند؛ با ارائه ابزارهای جدید دولت، شفافیت را افزایش می‌دهد و فساد را کاهش می‌دهد و از طریق توانمندسازی عموم مردم برای شرکت در نظارت گروهی بر فعالیت‌های دولت‌هایشان به این امر کمک می‌کنند (برتات، ۲۰۱۱: ۳-۳۲).

بر اساس استفاده‌های جاری از رسانه‌های اجتماعی برای ترویج شفافیت و مبارزه با فساد،

نقش‌های کلیدی متعددی وجود دارد که رسانه‌های اجتماعی می‌توانند به عنوان وسیله‌ای در اختیار دولت الکترونیکی مشارکتی ایفا کنند تا به شفاف شدن دولت و افزایش مبارزه با فساد کمک کنند:

- افزایش و بهبود دسترسی به اطلاعات دولتی توسط مردم با ارائه اطلاعات از طریق اینترنت و با چندین کانال تعاملی پویا

- تعامل با عموم مردم و توجه به منافع و نگرانی‌های خاص شهروندان

- ایجاد دسترسی برای بخش‌هایی از جمعیت کشور که در حالت‌های دیگر ممکن نبود با اطلاعات دولتی مواجه شوند

- خدمت به عنوان خروجی ارتباطاتی و اطلاعاتی برای افرادی که خطاکاران را رسوا می‌کنند بتوانند اطلاعات حساس را منتشر کنند

- تکمیل یا جایگزینی اطلاعات منحرف یا ضعیف با روزنامه‌نگاری شهروندی برای اطلاع‌رسانی بهتر به عموم مردم از شرایط؛

- جمع‌سپاری نظارت بر فساد دولتی با استفاده از گروهی از افراد یا یک انجمن برای انجام یک کار یا فعالیت خاص.

دیگر نقش‌ها رسانه‌های اجتماعی در شفافیت دولتی به احتمال زیاد توسعه خواهد یافت، زیرا استفاده از رسانه‌ها توسط دولت‌ها همچنان افزایش می‌یابد، انتظارات در جهت شفافیت توسط مردم افزایش یافته است و انواع برنامه‌های کاربردی رسانه‌های اجتماعی که برای عموم مردم به طور همزمان موجود است، افزایش می‌یابد. این استفاده‌ها همچنین توسط قوانین و سیاست‌هایی که در نهایت به استفاده از رسانه‌های اجتماعی توسط سازمان‌های دولتی اعمال می‌شود، شکل می‌گیرد.

نقش همکاری دولتی و عمومی برای ترویج شفافیت و باز بودن دولت همچنان در حال تکامل است و سهم فناوری اطلاعات و ارتباطات و اهداف دولت الکترونیک در ارتقاء باز بودن، نیاز به تحقیق گسترده‌تر خواهد داشت. با توجه به تعداد زیاد مشکلات موجود در اهداف دولت الکترونیک، توجه دقیق به مزایای قابل ملاحظه عمومی در تلاش‌های دولت الکترونیکی یکی از جنبه‌های اصلی چنین تحقیقی خواهد بود و ارتباط متقابل بین دولت الکترونیک، ICTها، رسانه‌های اجتماعی و شفافیت از این قضیه مستثنی نخواهند بود.

نیاز خاصی وجود دارد برای تکنیک‌های دقیق‌تر بررسی شفافیت و باز بودن تا رابطه بین ارتباطات بین فناوری اطلاعات و ارتباطات، رسانه‌های اجتماعی، اهداف دولت الکترونیک، و دولت باز و شفاف به طور تجربی‌تری آزموده شود. "اگرچه این اهداف در مراحل ابتدایی خود هستند، اما باز هم سطح پیچیدگی بالایی دارند." همچنین نیاز به درک بهتر راه‌هایی وجود دارد که از طریق آن‌ها این اهداف بتوانند در دسترسی افراد دچار ناتوانی یا دارای دسترسی محدود به اینترنت قرار گیرند. با این حال، نشانه‌های اولیه این است که فناوری اطلاعات و ارتباطات و رسانه‌های

اجتماعی، به ویژه در همراهی با در اهداف طرح ریزی شده دولت الکترونیک، می توانند بنیان اصلی توسعه یک حکومت باز و شفاف را ایجاد کنند.

پی‌نوشت‌ها

1. <https://www.theguardian.com/world/2018/mar/21/iranian-banker-malta-corruption-scandal-money-laundering-charges>.
2. https://en.wikipedia.org/wiki/Media_of_Pakistan#Role_in_exposing_corruption.
3. U.N. Convention Against Corruption, G.A. Res. 58/4, U.N. Doc. A/RES/58/422 (Oct. 31, 2003): arts. 13(1);13(1)(b); 13(1)(d).

منابع

بیابانی، غلامحسین (۱۳۹۴). بررسی مسئولیت‌های اجتماعی رسانه در پیشگیری و مقابله با جرایم سازمان یافته، رساله دکتری رشته علوم ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

بیابانی، غلامحسین (۱۳۹۷). شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین (در دست چاپ).

بیابان، غلامحسین، محمدتقی عصار و افسانه مظفری (۱۳۹۵)، "شفافیت رسانه‌ای در مقابله با فساد جرم سازمان یافته"، فصلنامه رسانه، دوره ۲۷، شماره ۱

پالتر، دیوید (۱۳۹۲). ارتباطات سیاسی در عمل، ترجمه مهدی شفقتهی، انتشارات سروش، چاپ دوم.

Arvind K. Jain (2017): Fighting corruption: contemporary measures in Canada, Canadian Foreign Policy Journal
Yunling Chen , Ming Liu , Jun Su, Greasing the wheels of bank lending: Evidence from private firms in China

(2013) Journal of Banking & Finance 37

JOELF. HOUSTON, LIANGLIANG JIANG, CHEN LIN, AND YUE MA, Political Connections and the Cost of Bank Loans, (2014) Journal of Accounting Research Vol. 52 No. 1

Dubois ,Judith (2002) Media Coverage of Organized Crime: Impact on Public Opinion?

Mark Levin , Georgy Satarov, Corruption and institutions in Russia (2000) European Journal of Political Economy Vol. 16.

James R.Barth, ChenLin, PingLin, FrankM.Song, Corruption in bank lending to firms: Cross-country micro evidence on the beneficial role of competition and information haring (2009) Journal of Financial Economics 91, pp.

Laurent Weill, How corruption affects bank lending in Russia (2011) Economic Systems 35.

John Carlo Bertot, Paul T. Jaeger and Justin M. Grimes (2011), Promoting transparency and accountability through ICTs, social media, and collaborative e-government, Transforming Government: People, Process and Policy.

Jarso, James Forole. "Te Media and the Anti-corruption Crusade in Kenya: Weighing the Achievements, Challenges, and Prospects", American University International Law Review 26 no. 1 (2010).

- Kolstad, Ivar and Wiig, Arne, Is Transparency the Key to Reducing Corruption in Resource-Rich Countries?, *World Development* Vol. 37, No. 3, 2009.
- Khemani, S., Dal, E.B., Ferraz, C., Finan, F.S., Johnson, C.L.S., Odugbemi, A.M., Thapa, D. and Abrahams, S.D., (2016). *Making politics work for development: harnessing transparency and citizen engagement*. Washington, DC: World Bank Group
- Mohamed Sami Ben Ali, Seifallah Sassi, The Role of ICT Adoption in Curbing Corruption in Developing Countries (2017) *Catalyzing Development through ICT Adoption*, ch 4, Springer
- Maria A. Moore, John Huxford, Jennifer B. Bethmann, "National Security Whistleblowers and the Journalists Who Tell Their Stories: A Dangerous Policy Dance of Truth-finding, Truth-telling, and Consequence" In *Corruption, Accountability and Discretion*. Published online: 12 Oct 2017.
- CHRISTOPHER STARKE, TERESA K. NAAB, HELMUT SCHERER, Free to Expose Corruption: The Impact of Media Freedom, Internet Access, and Governmental Online Service Delivery on Corruption (2016) *International Journal of Communication*
- P Bejaković, CORRUPTION AND ECONOMIC DEVELOPMENT: THE CASE OF CROATIA (2017) 5th REDETE Conference.
- T. Hanitzsch, R. Berganza, Explaining Journalists' Trust in Public Institutions Across 20 Countries: Media Freedom, Corruption, and Ownership Matter Most (2012) *Journal of Communication* 62.
- Kaufmann, D., & Bellver, A. (2005). *Transparenting transparency—initial empirics and policy applications*. Presentation at the Pre-Conference on Institutional Change for Growth and Poverty Reduction in Low-Income Countries at the International Monetary Fund, Washington, DC, July 6–7, 2005.
- OECD (2018), "The Role of the Media and Investigative Journalism in Combating" Corruption, www.oecd.org/corruption/The-role-of-media-and-investigative-journalism-in-combating-corruption.
- Vaidya, S. (2005). "Corruption in the Media's Gaze". *European Journal of Political Economy*, 21(3).
- Stapenhurst, R. (2000), *The media's role in curbing corruption*, Washington, DC, World Bank Institute.
- Schedler, A. (1999), *Conceptualizing accountability*. The self-restraining state. Boulder, CO: Lynne Rienner.
- "World Bank Group", 2016, Anti-corruption, March 28, <http://www.worldbank.org/en/topic/governance/brief/anti-corruption>.
- Ades, A., Di Tella, R., (1999). "Rents, competition, and corruption", *American Economic Review*, 89, (4).
- Pagano, M., Jappelli, T., (1993). "Information sharing in credit markets". *Journal of Finance*, 48.
- Padilla, A., Pagano, M., (1997). "Endogenous communication among lenders, and entrepreneurial incentives", *Review of Financial Studies*, 10.



پښتو پوهنتون، گواچ، گوجرات
پښتو ژبې، ادبیات او مطالعات پوهنځی